

در دنیای سریال سازی بیش از اتفاقات جلوی دوربین، آنچه در پشت دوربین اتفاق می افتد اهمیت دارد. بسیاری از سریال های شاخص تولید شده در جهان، اساسا با حضور بازیگران کمتر شناخته شده تولید می شوند و تمرکز سازندگان بیشتر از حضور بازیگران بر بهبود فیلمنامه و ارتقای مسائل تکنیکی و فنی پشت دوربین است



زمانی روال ساخت مجموعه های تلویزیونی بر اساس حضور دو کارگردان بود؛ یک نفر به عنوان کارگردان تلویزیونی و فردی دیگر به عنوان کارگردان هنری.

شاید تا اوایل دهه ۹۰ شمسی نیز این رویه در تلویزیون وجود داشت و بسیاری از مخاطبان نیز در تیتراژ سریال های تلویزیونی شاهد درج نام دو کارگردان تلویزیونی و هنری بودند؛ اما حالا چند سالی می شود که به دلایل مختلف کارگردانی تلویزیونی حذف شده و وظیفه آن به افرادی همچون دستیار کارگردان یا بازیگردان سپرده شده است. در واقع اغلب سریال هایی که با هدف بالا بردن سرعت تولید به جای یک دوربین با دو دوربین تولید می شوند، راهی جز این ندارند که بخشی از کار را با یک کارگردان دیگر پیش ببرند، اما در عمل کار توسط دستیار کارگردان پیش می رود تا به جای آن که کارگردان تلویزیونی بر وجه فنی و کارگردان دیگر بر بخش های هنری کار نظارت داشته باشند؛ بیشتر بار ساخت اثر بر دوش یک نفر باشد.

گذشته از این که آیا چنین روندی در سریال سازی درست است و آیا نیاز است که جایگاه کارگردان تلویزیونی در روند ساخت مجموعه های نمایشی سیما احیا شود یا نه؟ بدون شک بخش مهمی از بار کیفیت یک سریال تلویزیونی بر دوش کارگردان آن است.

ستاره های پشت دوربین

هر چند که نمی شود از نقش مهم بازیگران در افزایش کیفیت یک سریال تلویزیونی غافل شد اما واقعیت این است در دنیای سریال سازی بیش از اتفاقات جلوی دوربین، آنچه در پشت دوربین اتفاق می افتد اهمیت دارد. به همین دلیل هم هست که بسیاری از سریال های شاخص تولید شده در جهان، اساسا با حضور بازیگران کمتر شناخته شده تولید می شوند و تمرکز سازندگان بیشتر از حضور بازیگران بر بهبود فیلمنامه و ارتقای مسائل تکنیکی و فنی پشت دوربین است که همه دست به دست یکدیگر می دهند و یک سریال تلویزیونی را به پله بالاتری از منظر کیفیت می رسانند.

از فیلمبرداری و تدوین گرفته تا موضوعاتی همچون چهره پردازی و موسیقی و حتی تیتراژ پایانی سریال می توانند در بهتر دیده شدن یک سریال در تلویزیون مؤثر باشند.



راه ساخت یک سریال جذاب با چه چیزهایی هموار می شود؟

فیلمنامه، کارگردان، قهرمان و دیگران

سینما و هنر فیلمسازی نیز همچون هنر دیگری برای رسیدن به یک خروجی مشخص، نیازمند ملاتی مناسب است. اساسا اگر فیلم و سریال را به عنوان خروجی های نهایی فعالیت یک گروه هنری به مثابه ساختمان در نظر بگیریم، فیلمنامه و کارگردانی و بازیگری و تدوین و... همه حکم همان سنگ و سیمان و تیرآهن و... ساختمان را دارند که در کنار هم اجزای آن ساختمان را شکل می دهند؛ البته کم بودن کیفیت جنس هر کدام از آنها بر خروجی نهایی کار که همان ساختمان باشد، مؤثر خواهد بود.

حالا که در این پرونده سراغ صفر تا صد ساخت یک سریال تلویزیونی آمده ایم، شاید بد نباشد مروری هم بر این موضوع داشته باشیم که اصولا یک سریال تلویزیونی با کیفیت و استاندارد باید دارای چه ویژگی هایی باشد؟ هر چند که این یک قاعده همیشگی نیست که بتوان گفت لزوما هر اثری که در جلب نظر مخاطبان موفق بوده، حتما به همه مواردی که در ادامه ذکر می شود پایبند بوده ولی همان آثار نیز قطعا به تعدادی از این نکات مورد اشاره، توجه داشته اند.

احسان سالمی
خبرنگار

کلیدی به نام فیلمنامه

دنیل پی. کلویسی در کتاب «ترسیم فیلمنامه سریال های تلویزیونی» درباره نقش و اهمیت فیلمنامه در ساختار یک مجموعه نمایشی در تلویزیون می نویسد: «ارزشمندی نگارش سریال های تلویزیونی، انکارناپذیر است. کاملا با عقل جور درمی آید که چرا وبلاگ های بی شماری تک تک اپیزودهای بسیاری از سریال ها را تجزیه و تحلیل می کنند. سریال های تلویزیونی، رمان های جدید به حساب می آیند.» این تعریف یکی از ساده ترین راه ها برای درک اهمیت نقش فیلمنامه در موفقیت یک سریال تلویزیونی است.

فیلمنامه را باید کلید موفقیت یک اثر نمایشی به ویژه در تلویزیون دانست. در واقع اگر بخواهیم دقیق تر بگوییم، فیلمنامه مهم ترین دلیل دیده شدن یا زمین خوردن یک سریال است. چرا که شاید در یک اثر سینمایی بتوان به واسطه حضور ستاره ها در مقابل دوربین یا بازی های تکنیکی همچون شیوه خاص فیلمبرداری و ابتکاراتی از این دست، مخاطبان را برای تماشای اثر به سالن سینما کشاند اما هیچ وقت نمی توان مخاطبان یک سریال تلویزیونی را با چنین حربه هایی بیش از چند قسمت پای تلویزیون نشانند. بخش های مرتبط با فیلم و سریال حافظه تان را مرور کنید؟ آیا سریالی را به خاطر دارید که بدون داشتن

یک قصه پرکشش و جذاب توانسته باشد در زمره آثار ارزشمند در ذهن شما بایگانی شود؟ این قدرت جادویی قصه و داستان است که به عنوان روح اصلی یک اثر نمایشی می تواند مخاطبان را مسحور کند و پای تلویزیون بنشانند.

بار سنگینی که بر دوش کارگردان است

درباره نقش فیلمنامه نوشتیم اما مگر می شود

فقط با آجر و سنگ و سیمان و بدون حضور یک معمار کارگشته، بنایی زیبا و ماندگار ساخت؟ حکایت سریال سازی بدون در نظر گرفتن نقش کارگردان به عنوان یکی از خالقان اصلی اثر، همانند ساختمان سازی بدون حضور معمار است. بله، می شود بدون معمار هم ملات را آماده کرد و چیزی شبیه ساختمان ساخت اما قطعا آن زیبایی و ماندگاری را نخواهد داشت.

تکیه گاهی به نام قهرمان

در مورد اهمیت فیلمنامه و جایگاه در ارتقای کیفیت یک سریال و بهتر دیده شدن آن گفتیم اما بعضی از موضوعات هستند که به دلیل اهمیت بالا باید بیشتر مورد توجه قرار گیرند که فیلمنامه یکی از آنهاست. وقتی از قوت فیلمنامه و تأثیر آن بر دیده شدن اثر توسط مخاطب حرف می زنیم، صرفا درباره مسائل فنی حرف نمی زنیم؛ بلکه مساله نزدیک بودن قصه به موضوعات روز جامعه و همچنین داشتن یک قهرمان دوست داشتنی در دل قصه نیز به اندازه مسائل فنی اهمیت دارد. مماس شدن به موضوعات روز جامعه، چه در حوزه مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی می تواند سریال ها را دیدنی تر کند. این البته به معنی یک دست شدن فضای قصه و شرایط زمانی روایت قصه ها نیست بلکه گاهی می توان با ساخت یک اثر تاریخی نیز به موضوعات روز جامعه نزدیک شد. از سوی دیگر جایگاه قهرمان ها در ماندگاری مجموعه های نمایشی تلویزیونی را هم نباید نادیده گرفت. دنیل پی. کلویسی در کتاب «ترسیم فیلمنامه سریال های تلویزیونی» که پیش از این به آن اشاره کردیم درباره



جایگاه ویژه قهرمان می نویسد: «قهرمان، لنگر و تکیه گاه سریال است. نقش اصلی زن یا مرد شما باید کسی باشد که ما واقعا خواهان سپری کردن زمان با او هستیم. بنابراین کاری کنید که قهرمان تان ارزش این صرف وقت را داشته باشد. آنها را جذاب و مسحورکننده کنید.»